

## روزنه

## واکنش تند ایران به نامه گوترش

● وزارت خارجه ایران با صدور بیانیه‌ای به گزارش جدید رویترز از نامه دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت این نهاد، واکنش نشان داد. وزارت خارجه در بیانیه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ادعاهای دبیرخانه سازمان ملل متحد که به نظر می‌رسد تحت فشارهای سیاسی رژیم‌های آمریکا و عربستان صورت گرفته، مراتب نگرانی عمیق خود را در قبال استفاده ابزاری از دبیرخانه سازمان ملل متحد برای اهداف سیاسی ابراز می‌دard. به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت خارجه، متن این بیانیه به این شرح است: «جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ادعاهای دبیرخانه سازمان ملل متحد که به نظر می‌رسد تحت فشارهای سیاسی رژیم‌های آمریکا و عربستان صورت گرفته، مراتب نگرانی عمیق خود را در قبال استفاده ابزاری از دبیرخانه سازمان ملل متحد برای اهداف سیاسی ابراز می‌دارد.» «درحالی‌که دبیرخانه بر اساس تفسیر غیرمعمول از قطع‌نامهٔ ۲۲۳۱ تاکنون از گزارش موارد متعدد نقض برجام توسط آمریکا و کشورهای اروپایی خودداری کرده و حتی با خروج آمریکا از برجام که نقض آشکار قطع‌نامهٔ ۲۲۳۱ است در نهایت تسامح و ابهام برخورد کرده است؛ اما در موضوعی که دبیرخانه طبق ترتیبات مرتبط با اجرای قطع‌نامهٔ ۲۲۳۱ اساساً اختیاری در آن ندارد ورود کرده و اقدام به تهیه گزارش به‌اصطلاح تخصصی می‌کند. جالب‌تر آنکه گزارش دبیرخانه هم‌زمان با اقدام آمریکا در ارائهٔ پیش‌نویس قطع‌نامه خطرناکی برای تمدید غیرقانونی محدودیت‌های تسلیحاتی علیه ایران منتشر می‌شود و مفاد آن دو هفته قبل از انتشار توسط آمریکا مورد استناد قرار گرفته و این شائبه را تقویت می‌کند که این گزارش به سفارش آمریکا و برای بهره‌برداری توسط آن کشور در شورای امنیت علیه ایران تهیه شده است.» «متمم‌سازی دولت‌ها با فرآیندهای خودساخته و ضوابط خورنده‌ی بدعت خطرناکی است که مورد تایید جامعه بین‌المللی نیست. این چنین فرآیندهایی سفارشی شدیداً به اعتبار سازمان ملل متحد لطمه وارد خواهد ساخت. تهیه گزارش با انگیزه‌های سیاسی، تغییردهنده حقایق نبوده و بر همگان روشن است که وضعیت امروز منطقه نتیجه مستقیم سیاست‌های غلط آمریکا و رژیم کودک‌کش عربستان است. چگونه است که هیچ توجیهی به فروش سلاح‌های ترنرکیار به عربستان که استفاده از آنها علیه مردم بی‌دفاع یمن بر همگان چون روز روشن است، نمی‌شود اما تیم‌های تحقیقاتی برای جست‌وجو در زیانه‌های عربستان اعزام می‌شوند تا مگر مدرکی برای ادعاهای بی‌پایه آمریکا ساخته شود؟ می‌تردید، چنین گزارش‌هایی نه‌تنها به صلح و امنیت در منطقه و اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت کمکی نخواهد کرد، بلکه اعتبار و آبروی سازمان ملل متحد را نیز یکسره نابود می‌کنند.»

سازمان ملل متحد توصیه می‌کند در سناریوی از پیش طراحی‌شده آمریکا ایران جلوگیری از لغو یا محدودیت‌های تسلیحاتی ایرانی اجرت‌نکرده و با تهیه گزارش‌هایی که هیچ محمل قانونی ندارند به این روند خطرناک کمک کنند. آمریکا خود بزرگ‌ترین ناقض قطع‌نامهٔ ۲۲۳۱ شورای امنیت است و هیچ‌کس نمی‌تواند دامان آن کشور را از نقض گسترده قوانین بین‌المللی مبرا سازد». در همین رابطه، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد نیز ادعاهای مطرح‌شده در گزارش را رد کرد. مجید تخت‌روانچی در توییت نوشت: «ایران تمام اتهامات را در گزارش دبیرخانه سازمان ملل رد می‌کند: «منشأ ایرانی» تسلیحات یک وهم است. دبیرخانه سازمان ملل فاقد ظرفیت، تخصص و دانش انجام‌دادن تحقیقات است. به نظر می‌رسد که آمریکا با تارخیزچه خصومت با ایران در صددی ارائه‌دهنده نشده است تا «ارزانی‌های» سازمان ملل را شکل دهد. این اظهارات در واکنش به نامه‌ای مطرح می‌شود که خبرگزاری رویترز آن را رسانه‌ای کرد. در این نامه که گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد درباره ماجرای حمله به تأسیسات نفتی آرمکو در عربستان در شهپور گذشته بود، آنتونیو گوترش اعلام کرده است موشک‌های کروز و تجویزاتی که سال گذشته در حمله به تأسیسات نفتی آرمکو و فرودگاه بین‌المللی آب‌های عربستان سعودی و دست‌کم دو حمله پیش از آن از آنها استفاده شده «منشأ ایرانی» داشته‌اند. گزارش سازمان ملل به شورای امنیت در این زمینه تاکنون به طور رسمی منتشر نشده، اما خبرگزاری رویترز روز پنجشنبه، ۲۴ خرداد، اعلام کرد به نسخه‌ای از آن دست یافته و بخش‌هایی از گزارش را منتشر کرد. طبق این گزارش، دبیرکل سازمان ملل به اعضای شورای امنیت خبر داده چندین نمونه از سلاح‌ها و تجهیزات که نیروهای آمریکایی در نوامبر ۲۰۱۹ و فوریه سال جاری، یعنی پاییز و زمستان ۹۸، در منطقه ضبط کرده‌اند نیز منشأ ایرانی داشته‌اند. رویترز می‌گوید گوترش در گزارش خود یادآور شده برخی تجهیزات که آمریکا در منطقه ضبط کرده، مشخصات مشابهی با تجهیزات ساخت یک شرکت ایرانی دارند و روی برخی از آنها نوشته فارسی وجود دارد. دبیرکل سازمان ملل در این نامه همچنین گفته است این مسئله می‌تواند معایر با قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ارزیابی شود. ایالات متحده در ماه‌های اخیر در تلاش است با متهم‌کردن ایران به نقض این قطع‌نامه یا جلب حمایت دیگر اعضای ششورا با تصویب قطع‌نامه، قطع‌نامهٔ ۲۲۳۱ را لغو و تحریم تسلیحاتی ایران را که بناسند در پاییز پیش‌رو لغو شود، تمدید کند.

**ادامه از صفحه ۶**

امسا وقتنی احمدی‌نژاد آمد. چون آماده‌گی پذیرش پنداره او وجود داشت، اجازه داده شد احمدی‌نژاد دست به اصلاحات ساختاری بزند و از قضا آنجا بود که دیده شد اصلاحات ساختاری چقدر سخت، پرهزینه و حساس است و چقدر نیازمند انسجام و برخورداری از حمایت هسته مرکزی قدرت است و نمی‌توان با اصلاحات سطحی و موردی کشور را نجات داد.

**ک** اجازه دهید تعریضی داشته باشم به فرمایش جنابعالی؛ از طرفی شما بر این باورید که روی کار آمدن رؤسای جمهوری چون آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی قابلیت این را نداشته است که به‌عنوان یک زلزله سیاسی – اجتماعی در کشور تأثیرگذار بوده و تحولات ساختاری را موجب شود. از طرفی دیگری می‌فرمایید زلزله چهارمی که پایان این دوران و آغاز دوران جدید را رقم زده‌اند، در سال ۱۴۰۰ و انتخابات ریاست‌جمهوری خواهد بود. اینجا تعارضی وجود ندارد؟ دقت بفرمایید؛ اینجا بحث اشخاص و نگرش‌های آنها مطرح نیست. با دو زلزله سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، یعنی انتخابات و اعتراضات ۱۳۸۸ و تحولات بعد از آن که زلزله‌ای سیاسی بود و سپس اجرای هدمفندسازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ که زلزله‌ای اقتصادی بود، دوره تازه‌ای در عصر جمهوری اسلامی آغاز شد. اگر آقای احمدی‌نژاد هدفمندی یارانه‌ها را اجرا نمی‌کرد، زلزله ۱۳۸۸ درتشن آن چنان که الان می‌بینیم، نبود و به همان یکدست‌شدن ساختار قدرت سیاسی محدود می‌شد، ولی هدفمندی یارانه‌ها باعث شد که زلزله ۸۸ به یک تحول ساختاری گسترده‌تر در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود؛ یعنی من تحولات ۸۸ و ۸۹ را یک بسته مکمل می‌بینم که یکی دیگری را تکمیل کرد. حتی معتقدم آقای احمدی‌نژاد در سال ۸۹ سیاست هدفمندی را با آن سرعتی که در تصمیم و اجرا داشت، برای تغییر فضای کشور و عبور از فضای روانی ۸۸ اجرا کرد.

پس این دهه با این دو زلزله مورد مکمل در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی آغاز شد که پس از آن تمام ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییر جدی کردند و سپس با زلزله کرونا نیز پایان یافت و البته زلزله کرونا که یک زلزله اقتصادی و اجتماعی است نیز با زلزله مکملش؛ یعنی انتخابات ۱۴۰۰ تکمیل می‌شود و یک دهه بی‌ظنیر و پرتاب و سرنوشت‌ساز در جمهوری اسلامی به پایان می‌رسد. در بین این دو مقطع زمانی، ما حوادثی داریم که دستاوردها، پیامدها و علانم و پس ازپاره‌هایی محسوب می‌شوند از آشوبی که آن زلزله‌ها در بطن جامعه ایجاد کرده است، مانند شورش‌ها و اعتراض‌های دیماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ که دقیقاً رشه در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سال‌های ۸۸ و ۸۹ دارند. حاصل این ۱۰ سال که با زلزله نهادی و اجتماعی کرونا به نقطه پایان نزدیک می‌شود و همه درهم‌ریزی‌ها و بی‌ثباتی‌های دهه گذشته را در خوددم نهفته دارد، نهایتاً در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نمایان خواهد شد و به نقطه پایان می‌رسد و آخرین دستاورد این تحولات آنجا به ثمر می‌نشیند؛ یعنی این تحولات در طول این دهه برای جناح‌های مختلف و برای نظام سیاسی دستاوردهای مثبت و منفی دربر داشته و براینند اینها در نقطه پایانی؛ یعنی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ آشکار خواهد شد. درواقع نتیجه و برآیند تمام تحولات دهه گذشته در انتخابات ۱۴۰۰ خود را نشان خواهد کرد؛ یعنی انتخابات به هر شکلی که برگزار شود و هر گروه یا جناحی که برنده شود، ایران پسا ۱۴۰۰ ایران کاملاً جدیدی خواهد بود که حاصل تحولات ۱۰ سال گذشته است. نمی‌دانم دقیقاً چه شکلی خواهد داشت، اما می‌دانم که خیلی متفاوت از امروز خواهد بود و ادامه ریزوز و امروز نخواهد بود؛ یعنی هرکدام از احتمال‌هایی که امروز می‌دهیم اگر محقق شود، ایران کاملاً تازه‌ای از آن سر برخواهد آورد و به گمان من هرکدام که محقق شود، نسبت به امروز یک گام که جلو خواهد بود. درواقع نتیجه بستگی به خیلی چیزها دارد؛ مثلاً آیا این احساس ایجاد می‌شود که از تمام موانع گذشته عبور کرده‌ایم و حالا می‌توان در انتخابات ۱۴۰۰ آخرین مخالفان و منتقدان را کنار گذاشت و به تمام نگرانی‌ها پایان داد؟ یا این‌که تحولات ۱۰ سال گذشته باعث می‌شود که انتخابات ۱۴۰۰ را تبدیل به یک برنامه و تحول افق‌گشایانه برای نوسازی نظام سیاسی، اجتماعی ایران کند، به بیان دیگر، در انتخابات ۱۴۰۰ با یک رئیس‌جمهور کاملاً همسوی خواهیم داشت یا حتی یک رئیس‌جمهور نظامی خواهیم داشت که در این صورت قدرت سیاسی یکپارچه می‌شود و ساختارهای سنتی حاکم بر دهه گذشته تقویت می‌شوند. اگر چنین شود، این خودش یک ظرفیت برای کشور و ساختار سیاسی، اجتماعی به وجود می‌آورد که بتواند بدون نگرانی، با قدرت تحولات بزرگ افق‌گشایانه را رقم بزند. آیا این‌که در نتیجه حوادث و تحولات دهه گذشته، مسئولان به این نتیجه می‌رسند که وضعیت موجود قابل تداوم نیست و در یک نقطه باید چرخش کنند و آن نقطه شاید آخرین فرصتی باشد که می‌تواند جامعه ما را به آرامش و ثبات برساند، و معتقدم این وضعیت نیز نتایج و ظرفیت‌های گسترده دیگری برای ما در پی خواهد داشت. در آن مقطع است که مشخص خواهد شد نظام سیاسی، اجتماعی ما از مجموعه تحولات گذشته چه دستاوردی برای خود کسب کرده و به دنبال چه هدفی است و در آن زمان برای ما مشخص خواهد شد که آیا نظام سیاسی، اجتماعی ما توانسته است از این‌همه انرژی انباشته‌شده و تجربه‌های آموخته‌شده برای ارتقای خود بهره‌برد یا نه؟ انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ ای‌بسا ممکن است بدون تنش و بدون هیچ مسئله وحاشیه‌ای برگزار نشود یا ممکن است منجر به پدیداری موج تازه‌ای از امید اجتماعی شود که به هجوم جدیدی به صندوق‌ها بینجامد. اما به هر شکلی که برگزار شود و هر نتیجه‌ای در پی داشته و هر کس بر مسند ریاست‌جمهوری تکیه کند، پایان هرچه متفاوت دهه گذشته و آغاز تحولات ساختاری جدید خواهد بود. برای درک بهتر مسئله به نقش سوزن‌بان در هدایت قطار اشاره می‌کنم. سوزن‌بان با چرخاندن سوزن ریل، مسیر حرکت قطار را عوض می‌کند، اما او ریل‌گذاری جدیدی ایجاد نمی‌کند، بلکه ریل‌گذاری‌هایی را که پیش‌تر ایجاد شده و آماده است در یک نقطه به هم متصل می‌کند تا قطار از یک مسیر وارد مسیر تازه‌ای شود. در انتخابات سال ۱۴۰۰ نیز با کشور بر همان ریل سابق حرکت خواهد کرد که ما نتایجی خواهد داشت با سوزن را عوض می‌کند و قطار روی ریل جدیدی ادامه حرکت خواهد داد که نتایج کاملاً متمایزی خواهد داشت، حال با توجه به اینکه به نظر نمی‌رسد ادامه حرکت در مسیر ریل قبلی – به دلایل مختلف که شرح آن در این مجال نمی‌گنجد – امکان‌پذیر باشد، بنابراین به احتمال قوی، گزینه ادامه مسیر در ریل جدید انتخاب خواهد شد و یک مسیر تازه آغاز شده و فرایندها و ساختارهای جدید به وجود خواهند آمد.

**ک** به نظر می‌رسد جناب‌عالی هم با نظریه انحطاط و نوزایی ایران سیدجواد طباطبایی همسو باشید، گرچه شاید نتوان تحلیل شما را عیناً منطبق با نظریه ایشان دانست. منصرف از این بحث علمی در حوزه علوم سیاسی، اجازه بفرمایید بازگردیم به مجموعه تحولات و وقایع دهه گذشته. به نظر شما کدام یک از وقایع و رویدادها در این دوره موردنظر، حادث شده که ظرفیت این را داشته در صورت تعمیق و تعمیق، به بحران یا فاجعه‌ای ساختاری در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران تبدیل شود؟

## سیاست



# آینده ایران و ۴ زلزله

اساسا هر حادثه، واقعه یا تحولی که به یکی از این سه نتیجه بینجامد، برای کشور فاجعه‌بار خواهد بود؛ یا به شورش‌های داخلی بینجامد که قابل مدیریت و کنترل نباشد و به سمت برخوردهای خشن یا مسلحانه میان گروه‌های جمعیتی مختلف در درون کشور منجر شود؛ یا به برخورد نظامی با خارج بینجامد؛ یا به تقابیل خشونت‌بار و حذفی جناح‌های داخل در قدرت و ارکان حکومت منجر شود. بنابراین هرکسی که دغدغه منافع ملی دارد و دوست کشور است، در حوادث پیش‌رو، اگر احتمال بدهد اقداماتش ممکن است به یکی از این سه نتیجه برسد، باید منافع ملی را بر منافع شخصی و جناحی خود اولویت دهد و از سوق دادن مملکت به آن سمت پرهیز کند و اجازه ندهد کشور درگیر بحران‌های فاجعه‌بار شود.

با مروری بر حوادث دهه گذشته، به نظر من حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ پتانسیل برخورد نظامی خشونت‌بار میان جناح‌های درون حکومت و پتانسیل شورش‌های خشونت‌بار و خونین درون جامعه را نیز نداشت و دیدیم که هر دو طرف منازعه در عمل نشان دادند که هر کدام خواهی به سمت خشونت سوق پیدا می‌کرد و کنترل‌پذیر نبود، حتماً یکی از طرفین کوتاه می‌آمد و راه مصالحه را پیش می‌گرفت، البته به گمان من از هر دو سوی منازعه خیلی بهتر می‌شد آن را مدیریت کرد. بااین‌حال دیدیم وقتی عملاً به سمت تندشدن حرکت‌ها رفت، رهبران جریان اصلاح‌طلب، آن را یاقشاری و امرامورد انتظار طرفداران خود را اعمال نکردند و این حفظ‌کشور کوتاه آمدند. در میان حوادث مذکور نیز اعتراضات دی‌ماه سال ۱۳۹۶ نیز ظرفیت تبدیل‌شدن به وضعیت خطیری را که گفته شد، نداشت و دیدیم که کنترل و مدیریت شد؛ اما اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸ این پتانسیل را داشت که به‌سرعت به یک فاجعه ملی و شورش‌های مستمر دنباله‌دار تبدیل شود و ای‌بسا برخورد تند و کنترل فوری حکومت نیز ناشی از این بود که نگران همین مسئله بودند. درهرحال اعتراضات سال ۹۸ ویژگی‌هایی داشت که می‌توانست به فاجعه تبدیل شود.

## با مروری بر حوادث دهه گذشته، به نظر من حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ پتانسیل برخورد نظامی خشونت‌بار میان جناح‌های درون حکومت و پتانسیل شورش‌های خشونت‌بار و خونین درون جامعه را نیز نداشت و دیدیم که هر دو طرف منازعه در عمل نشان دادند که هرگاه حوادث به سمت خشونت سوق پیدا می‌کرد و کنترل‌پذیر نبود، حتماً یکی از طرفین کوتاه می‌آمد و راه مصالحه را پیش می‌گرفت

از سویی دیگر نیز ما در شرایط ضرورت نوسازی نظام سیاسی ایران قرار داریم‌که نخبان مدنی و پیکره اصلی جامعه بر آن اجماع و تأکید دارند ولی بخش‌هایی از هسته قدرت در نظام سیاسی اجتماعی ایران به دلایل متعدد اعتقادی ندارند و در مخالفت آن هستند. بنابراین معتقدم با وجود همه بحران‌های موجود، تا زمانی که کشور هنوز در ثبات و آرامش قرار دارد و اقتدار مرکزی رهبری در کشور حکم‌فراماست، امکان آغاز تحول و نوسازی نظام سیاسی کشور وجود خواهد داشت و بهترین فرصت برای آغاز تحولات افق‌گشایانه و نوسازانه است. بنابراین همه نخبانان درون و بیرون حکومت باید به زمینه‌سازی برای پذیرش و آغاز چنین تحولاتی کمک کنند؛ چراکه گمان می‌کنم در غیاب یک اقتدار مرکزی و در صورت بروز قدرت، ممکن است دیگر این تحول ساختاری امکان‌پذیر نشود و نزاع و رقابت‌های گروه‌های در قدرت و بیرون قدرت، کشور را به سوی بی‌ثباتی ببرد.

**ک** تورو حاج‌قاسم سلیمانی، شهادت او و پاسخ نظامی ایران به آمریکا چطور؟ این واقعه چنین ظرفیتی در ایجاد جنگ و مخاصمه نداشته است؟ تورو حاج‌قاسم و پاسخ نظامی ایران اتفاقاً این ظرفیت و پتانسیل را داشت که کشور را به وضعیت حاد ناشی از درگیری نظامی سوق دهد اما هر دو طرف خویشتنداری کرده و خردمندانه پاسخ دادند و از جنگ و برخورد نظامی جلوگیری شد؛ اگرچه امکان و پتانسیل آن وجود داشت. اما حتی اگر برخورد هم اتفاق می‌افتاد، یک برخورد محدود بود و به‌عنوان یک زلزله سیاسی محسوب نمی‌شد؛ یعنی در ساختار تغییری ایجاد نمی‌شد.

**ک** آیا حوادث دیگری هم ممکن است در این فاصله رخ دهد که ما را به سمت تغییرات بیش از نهار ۱۴۰۰ سوق دهد؟
بله، کشور ما پیش از بروز کرونا نیز با بحران‌های جدی اقتصادی مواجه بود که با بیماری کووید۱۹ این بحران‌های اقتصادی تشدید و تعمیق شده است و اگر مجموعه رفاهی در قدرت نتوانند با یک همبستگی و همسویی، کشور را از بحران بی‌کاری و تورم و رکودگی که گرفتار شده است خارج کنند، می‌تواند به درهم‌ریزی ساختاری اقتصادی و متعاقب آن پیامدهای سیاسی و مدنی منجر شود. بنابراین در صورت تعمیق رکود اقتصادی و کنترل‌شدن آن، امکان بروز یک فاجعه وجود دارد. خطر دیگر این است که ما خوش‌باور باشیم و گمان

کنیم که ترامپ در انتخابات آتی آمریکا رأی نخواهد آورد و حتماً بر اثر بروز حوادث داخلی متأثر از بیماری کووید۱۹ و اعتراضات عمومی در آمریکا، محبوبیتش را از دست داده و شکست خواهد خورد و بعد برنامه کشور را بر این مبنا تنظیم کنیم. اتفاقاً به‌دلیل پیچیدگی تحولات و مناسبات در آمریکا باید این احتمال را بدهیم که امکان پیروزی او در انتخابات وجود دارد و ترامسپ بعد از پیروزی در انتخابات رفتار و موضعش نسبت به ایران بسیار خشن خواهد شد و نباید اجازه دهیم که شرایط به‌گونه‌ای رقم بخورد که پس از پیروزی احتمالی او، بحران میان ایران و آمریکا به یک برخورد نظامی سخت منجر شود. این در حالی است که این احتمال هم همواره وجود دارد که اگر ترامپ به این نتیجه برسد که در حل مشکلات داخلی آمریکا ناتوان است، برای فرار از مشکلات داخلی و پیروزی در انتخابات با ایجاد یک بحران نظامی در خارج از آمریکا بتواند از بزنگاه انتخابات ریاست‌جمهوری عبور کند. در هر صورت این حقیقتی است که تخریب ایران و حذف هژمونی منطقه‌ای ایران، همین الان هدف شماره یک سیاست خارجی ایالات متحده است که از طریق هم‌پیامتان منطقه‌ای‌اش در حال مدیریت و اجراست و ما نباید اجازه دهیم کشور به چنین وضعیت خطرناکی دچار شود.

**ک** مستحضرد که اخیراً ترامپ با اشاره به اینکه در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی پیروز خواهد شد، به ایران پیشنهاد داده که باید پیش از انتخابات با یکدیگر مذاکره کنیم و توافق خوبی – به گفته او – به دست آوریم و منتظر انتخابات نمانید؛ اما بسیاری بر این باورند که شرایط ایران اکنون برای مذاکره آماده نیست و چنین مذاکره‌ای در نقطه‌ضعف و از روی استیصال خواهد بود. آیا شما هم باور دارید که مذاکره با آمریکا در این شرایط به زیان ایران است؟

درواقع مذاکره در شرایط برابر مثل یک معامله می‌ماند، در معامله هر دو طرف باید سود کنند و اگر برای طرفین منافع و سودی داشته باشد، حتماً با یکدیگر معامله می‌کنند. اگر در یک معامله، یکی از طرفین سودی نبرد، معامله‌ای رخ نمی‌دهد – منصرف از مفهوم حقوقی معاملات خاص – بنابراین وقتی دو طرف سودی در معامله داشته باشند و اختیار کامل برای معامله داشته باشند و مجبور به معامله نبوده و به معامله نیاز داشته باشند و منافع آنها با معامله تأمین شود، امکان

اعتقاد یک معامله خوب و برد–برد وجود خواهد داشت. به نظرم الان این شرایط برابر و بدون اجبار، برقرار است؛ چون ایران نشان داده درحالی‌که آمریکا هرچه در توان داشته، در اعمال فشار علیه ایران به کار گرفته است، ایران همچنان کوتاه نمی‌آید و می‌تواند معامله نکند و نشان داده است که با وجود فشارهای اقتصادی و بحران کرونا و کاهش شدید درآمدهای نفت و تحریم و نظایر اینها، می‌تواند دوام بیابورد و مذاکره نکند و صبر کند تا بعد از انتخابات آمریکا و تحولات بعدی جهانی تصمیم بگیرد و مجبور و ناگزیر نیست الان با آمریکا مذاکره کند. از سوی دیگر آمریکا هم نشان داده که می‌تواند معامله‌ای نکند و صبر کند تا ایران تحت فشارهای ناشی از تحریم و مشکلات اقتصادی به زانو در آید؛ اما هر دو طرف هم‌اکنون به چنین معامله‌ای نیاز دارند؛ ضمن اینکه توازن میان دو طرف برقرار است و اتفاقاً الان بهترین زمان برای مذاکره و تعامل با آمریکا است؛ چراکه چنین مذاکره‌ای برای ترامپ در آستانه انتخابات ارزشمندتر از بعد از انتخابات است و اینجا می‌توان امتیازهای خوبی از آمریکا گرفت. اتفاقاً ای بسا مذاکره بعد از نتایج انتخابات برای ترامپ موضوعیتی نداشته و مذاکره‌کردن برایش ارزشمندتر باشد. اگر الان این مذاکره انجام شود، با توجه به نیازی که ترامپ به مذاکره دارد و مشکلات داخلی جدی که او مواجه بوده و تحت فشار داخلی است تا فضای آمریکا را به نفع خود عوض کند، نتیجه بهتری برای ما حاصل خواهد شد. از این سو هم برای ما مذاکره تأمین‌کننده منافع ملی خواهد بود؛ به شرطی که از ناشف و ضعف و بی‌ثباتی ناشی از روی ناگزیری نباشد که اکنون در این وضعیت نیستیم؛ درعین‌حال به مذاکره نیاز داریم و باید پیش از اینکه اقتصاد ما دچار بحران‌های جدی‌تر شود و بیش‌ازاین آسیب دیده و خدای‌نکرده دچار دره‌ریزی شود، مذاکره کنیم. دقت کنیم که پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ ما نباید وارد یک دوران پرتشن داخلی شویم؛ ضمن این‌که احاله‌دادن مذاکره با آمریکا به پس از انتخابات سال ۱۴۰۰ ما هم نمی‌تواند کار چندان دیپلماسی‌محوری باشد؛ چراکه معلوم نیست وضعیت ما در آن زمان چگونه است.

بگذارید بگویم که ما الان دقیقاً در چه شرایطی هستیم. من پیش‌تر در سال ۲۰۰۷ در کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران» نیز گفته‌ام که وقت مذاکره با آمریکا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری آنهاست (یعنی انتخابات دور اول اوپاما) به‌این‌دلیل که نتیجه آن برای مصرف داخلی آنها کاربرد دارد و به‌این‌دلیل که در آن زمان مذاکره برای اوپاما منافع داشت؛ ولی ما آن فرصت را از دست داده‌ایم و بعد اوپاما با آرامش ما را بر د سر سمت تحریم‌های فراگیر. اکنون هم ما در چنان شرایطی هستیم. الان هم در این وضعیت هستیم و به نظر من این فرصت را نباید از دست بدهیم.

**ک** این بحث به صورت جدی مطرح است که اهل‌ولگرایان چنین فضایی را به دولت دکتر روحانی نخواهند داد که مذاکره با آمریکا را آغاز کند و اقدام را تا پیروزی در انتخابات سال ۱۴۰۰ به تعویق خواهند انداخت. در چنین شرایطی چگونه می‌توان توافق داخلی مذاکره کرد؟

ما باید خیلی سریع و قبل از اینکه اقتصاد ملی دچار آسیب جدی شود و تحولات سیاسی غرب هم فرصت امتیازگیری بیشتر را از ما بستاند، وارد مذاکره شویم. اگر بخواهیم این مذاکرات را به بعد از انتخابات ۱۴۰۰ موکول کنیم، چون مشخص نیست در آن زمان اقتصاد جهانی در چه وضعیتی خواهد بود و مثلاً نتیجه منازعات میان آمریکا و چین و دیگر مناسبات قدرت در عرصه بین‌المللی به‌کجا کشیده خواهد شد و مشخص نیست نتیجه انتخابات آمریکا چه خواهد شد و مشخص نیست بحران‌های اقتصادی داخلی ایران در کجا سر باز کرده باشد؛ بنابراین موکول‌کردن این امر مهم و سریع به ۱۵ ماه دیگر پُرریسک است. اطمینان دارم که در یک سال آینده اتفاقات بزرگی در اقتصاد و در جامعه و سیاست ایران رخ خواهد داد و ساختارهای سیاسی- اقتصادی جهانی نیز تغییرات شگرفی خواهد داشت؛ بنابراین اگر اهل‌ولگرایان صرفاً به‌این‌دلیل الان مانع باشند که بعداً امتیاز این کار را برای خودشان کثب کنند، به این معنی است که درک درست و دقیقی از تحولاتی که در زیر پوست جامعه و اقتصاد ایران در جریان است، ندارند و نیز درباره تحولات جهانی دچار یک خطای استراتژیک هستند و البته درباره منافع ملی ایران نیز بی‌توجه‌اند.

**ک** به‌عنوان کلام پایانی، پیشنهاد شما به کشکران و فعالان مدنی و مردم برای عبور از گذرگاه پیش‌رو چیست؟ آیا می‌توانند در این دوران حساس، تأثیری بر این فرآیند داشته باشند؟
کشنگران سیاسی و مدنی و روشنفکران و نخبان داخل حکومت و حتی خارج از حکومت باید پیش از این– مراقبت کنند؛ چراکه از نظر من معیار وطن‌پرستی آنها، معیار اصلاح‌طلبی آنها و معیار خیر خواهی آنها در این است که نشان دهند در این گذرگاه تاریخی، تا چه حد به تنش و کشمکش ادامه داده یا از آن پرهیز خواهند کرد تا کشور به سمت تنش سوق داده نشود. اینجا بحث منافع ملی و جزئی و صنفی مطرح نیست و درک نکردن منافع عمومی و ملی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد.

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۹

## کوتاه از دیپلماسی

## موافقت کانادا با ارسال جعبه سیاه هواپیمای اوکراینی به فرانسه

● **ایسنا:** وزیر حمل‌ونقل کانادا موافقت این کشور را با تصمیم ایران برای ارسال جعبه‌های سیاه هواپیمای اوکراینی به فرانسه اعلام کرد. به گزارش پایگاه اینترنتی شبکه گلوبال‌نیوز کانادا، مارک کارنیو، وزیر حمل‌ونقل کانادا، گفت که این کشور با وعده جدید ایران برای ارسال جعبه‌های سیاه هواپیمای اوکراینی موافق است و می‌خواهد این کار سریع‌تر انجام شود. کارنیو در این‌باره گفت: «ما فکر می‌کنیم که این کاملاً قابل‌قبول است، درواقع ایده خوبی است که این جعبه‌های سیاه به فرانسه فرستاده شوند». پیش از این توافق شده بود که سه مقامات اوکراینی نتوانند به اطلاعات جعبه‌های سیاه آسیب‌دیده دست پیدا کنند. این جعبه‌ها به فرانسه فرستاده شوند که دایره استعلام و تحلیل امنیت هواپیمای غیرنظامی آن» به‌عنوان یکی از بهترین نهادهای تحقیقات سقوط هواپیمان در جهان شناخته می‌شود. وزیر حمل‌ونقل کانادا همچنین در این‌باره گفت: «ما می‌دانیم که این نهاد فرانسوی مانند هیئت امنیت حمل‌ونقل ما توان تحلیل این جعبه‌های سیاه را داشته و قویا و تخصص تحلیل این جعبه‌های سیاه را داشته و ایران را تشویق می‌کنیم که این جعبه‌های سیاه را هرچه سریع‌تر به پاریس بفرستد.»

## تلاش آمریکا برای تصویب قطع‌نامه ضدایران

● **ایرنا:** خبرنگار وال‌استریت‌ژورنال از تلاش آمریکا برای تصویب قطع‌نامه‌ای در نشست هفته آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین علیه ایران خبر داد. لورنس نورمن، خبرنگار ارشد نشریه وال‌استریت‌ژورنال، در توییت نوشت اطلاع یافته آمریکایی‌ها به دنبال تصویب قطع‌نامه‌ای در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند که حاوی «محکومیت عدم همکاری ایران با پادمان‌های آژانس» باشد. نورمن گفت قطع فضای دیپلماتیک وین، مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌شدت آشفته است، اما این اقدام آمریکایی‌ها حمایتی از سوی دیگر اعضای مهم آژانس، از جمله چین و روسیه کسب نخواهد کرد. سه هفته خبرنگار وال‌استریت‌ژورنال، روسیه و میخائیل ایلوایف، نماینده دائم این کشور در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، تصریح کرده‌اند که نشست هفته آینده به دلیل شیوع کرونا به صورت مجازی برگزار می‌شود و از همین‌رو، تصمیمات رسمی از سوی شورای حکام اخذ نخواهد شد.

## سفیر افغانستان در وزارت امور خارجه حاضر شد

● **ایرنا:** عبدالغفور لیوال، سفیر افغانستان، صبح روز بیروز با راه‌ای از توضیحات درباره فعالیت برخی از گروه‌های سابقه‌ضدیت با ایران در وزارت امور خارجه حاضر شد. به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، این افراد طی روزهای گذشته مرتکب تعرض به سفارت و برخی از نمایندگی‌های ایران در افغانستان شده بودند. سیدرسول موسوی، مدیرکل اسبای‌غربی وزارت امور خارجه، در جریان این دیدار، مراتب نگرانی از تأثیر اقدامات غلط این گروه قبلیل بر روابط همسایگی دو کشور را ابراز کرد.

## گفت‌وگوی عراقچی و معاون سیاسی وزیر خارجه زاین

● **ایرنا:** معاونان سیاسی وزرای امور خارجه ایران و زاین روز گذشته با یکدیگر گفت‌وگو کرده و همکاری دو کشور در زمینه مبارزه با ویروس کرونا را بررسی کردند. به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه و «تاکه نورمحمدی»، معاون ارشد سیاسی وزارت خارجه زاین، در گفت‌وگویی ویدئویی درخصوص موضوعات دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر به تبادل‌نظر پرداختند. در این گفت‌وگو، همکاری دو کشور در زمینه مبارزه با ویروس کرونا بررسی شد و بهره‌گیری از ظرفیت روابط خوب دو کشور برای همکاری‌ها مورد تأکید قرار گرفت.

## انتقاد غریب‌آبادی از قطع بودجه سازمان‌های بین‌المللی

● **ایسنا:** کاظم غریب‌آبادی، نماینده دائم ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین، در نشست سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، یونیسکو و واکنش به هم‌گیری کرونا، طی سخنانی ضمن تأکید بر نیاز به یک پاسخ چندجانبه، جامع، هماهنگ و گسترده برای حمایت از کشورهای سازمانده نسبت به تحریم‌های یک‌جانبه و قطع بودجه سازمان‌های بین‌المللی از سوی آمریکا و پیامدهای مخرب آن بر مبارزه با کرونا ابراز تأسف کرد و خواستار تلاش‌های جمعی جهت رسیدن به یک بازتابی اقتصادی فراگیرتر، پایدارتر و انعطاف‌پذیرتر شد.

غریب‌آبادی در ادامه با ابراز تأسف از هرگونه تصمیم، تلاش یا موضع‌گیری مانند تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه، از جمله علیه کشورهای مستقل یا قطع بودجه سازمان‌های بین‌المللی که باعث تضعیف ظرفیت ملی، منطقه‌ای و جامعه بین‌المللی برای مقابله با انتشار ویروس کرونا و پیامدهای کشنده آن می‌شود، افزود: «چنین اقداماتی باید محکوم شوند، چراکه تأثیرات منفی بر شریعت و کل جهان برجای می‌گذارد.»